

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه درس سوم عربی یازدهم تجربی ریاضی

نام دبیر: ماهرخ گوهررستمی

دبیرستان شهیده نرجس دخانچی منطقه ۱۷ تهران

موضوعِ اَعْلَمُوا : الْمَعْرِفَةُ وَالنَّكِرَةُ

در زبان عربی اسم از این نظر که برای شخص، شناخته شده باشد یا نباشد به دو گروه تقسیم می شود:

۱- اسم نکره

۲- اسم معرفه

اسم نکره: اسمی است که بر شخص ناشناس یا مکان یا چیزی نامشخص دلالت کند.

همه اسم های مشترک میان افراد (مرد، زن، معلم، دانش آموز و ...)، مکان ها (کشور، شهر، موزه، مدرسه و ...) و اشیا (کتاب، میز، خودرو، درخت و ...) که در عربی، مفرد، مثنی و جمع آن ها «ال» نداشته باشند، اسم نکره محسوب می شوند.

مثال: رَجُلٌ، مَدِينَةٌ، مَنْصَبَةٌ، تَلْمِيذَاتٌ، أَشْجَارًا، إِمْرَأَاتٍ، جَبَلَيْنِ، مُعَلِّمُونَ، طَالِبِينَ و

اسم معرفه: اسمی است که بر شخص یا مکان یا چیز شناخته شده و مشخص دلالت کند.

اسم مشترک دارای «ال» (الرَّجُلُ، الأشجار، الإمرأتان، المُعلِّمُونَ و ...) و اسم خاصی که فردی یا مکانی (علی، فاطمة و ... یا ایران، دماوند و ...) با آن نامیده می شود در عربی معرفه محسوب می شود.

نکات

مهم ترین نشانه نکره بودن اسم های مفرد، تنوین « = » است. مثال: معلمٌ، جَبَلٍ و

به اسم دارای «ال»، معرفه به «ال» و به اسم خاص فارسی در زبان عربی، معرفه به «اسم علم» می گویند.

مثال: «آلَبَيْتِ، الْفُرْصَةِ، الشَّعْبِ، الطِّفْلِ، الظَّالِمِ»: معرفه به «ال».

«حُسَيْنٌ، فَاطِمَةٌ، مَشْهَدٌ، الْبُرُزُ»: معرفه به «اسم علم».

نکته: علامت تنوین « = » در آخر بعضی از اسم های علم مذکر (علی، مُحَمَّدٌ، حَسَنٌ، ...) دلیل بر نکره بودن آن ها نیست، بلکه معرفه هستند.

نکته: اگر اسم **عَلَم** با حرف « **آل** » (**الْقُرْآن، الحُسَيْن، الإِیرَان** و ...) بیاید، همان « **معرفه به عَلَم** » محسوب می شود.

اسم نکره به سه صورت ترجمه می شود:

اسم + **ی** (کتاباً: کتابی)

یک + اسم (رَجُلٌ: یک مرد)

یک + اسم + **ی** (اِمْرَأَةٌ: یک زنی)

مثال دیگر: جاء تَلْمِیذٌ. **یک** دانش آموز آمد / دانش آموزی آمد / **یک** دانش آموزی آمد.

تفاوت ترجمه اسم نکره با اسم معرفه به « **ال** »

جاء مُدَرِّسٌ. معلّمی آمد. جاء المُدَرِّسُ. معلّم آمد.

قَرَأْتُ كِتَابًا. کتابی را خواندم. قَرَأْتُ الْكِتَابَ. کتاب را خواندم.

ترجمه خبر وقتی اسم نکره باشد:

۱- اگر صفت نداشته باشد، خبر به شکل معرفه ترجمه می شود.

مثال: هُوَ تَلْمِیذٌ. او دانش آموز است. هذا كِتَابٌ. این کتاب است.

العلمُ كَنزٌ. دانش گنج است.

۲- اگر صفت داشته باشد، یا خبر به شکل نکره (با « **یک** » در اول یا « **ی** » در آخر) یا صفت آن به شکل نکره (با حرف « **ی** » در آخر) ترجمه می شود.

مثال: هُوَ تَلْمِیذٌ نَاجِحٌ. او **یک** دانش آموز موفق (دانش آموزی موفق، دانش آموز موفقی) است.

هذا كِتَابٌ مَفِیْدٌ. این یک کتاب مفید (کتابی مفید، کتاب مفیدی) است.

۳- اگر بعد از آن فعل باشد، خبر به شکل نکره (اغلب با حرف « **ی** » در آخر) ترجمه می شود.

مثال: شَجَرَةُ النَّفِطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ... درخت نفت **درختی** است که کشاورزان آن را به کار می گیرند. خبر و اسم نکره / فعل

۴- اگر همراه حرف جر « مِنْ » باشد و اسم تفضیل نباشد، خبر به شکل نکره (با حرف « ی » در آخر) ترجمه می شود.

مثل: هُوَ **طَالِبٌ مِنْ** طُلَّابِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ. او **دانش آموزی** از دانش آموزان این مدرسه است.
خبر/ حرف جر مِنْ

نکته: اگر در جمله، اسم **نکره** بیاید و در جمله بعد، همان اسم با **حرفِ « ال »** بیاید، در ترجمه می توان کلماتِ « **این** » یا « **آن** » را برای اسم « **ال دار** » به کار برد.

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا. **اسب هایی** را دیدم. **آن اسب ها** کنار صاحبانشان بودند.

سَافَرْتُ إِلَى مَدِينَةٍ. كَانَتْ الْمَدِينَةُ كَبِيرَةً جَدًّا. به **شهری** سفر کردم. **آن شهر** بسیار بزرگ بود.
اگر **اسامی پرندگان، حیوانات و درختان** با « **ال** » باشند، **معرفه** محسوب می شوند.

مثال: رَأَيْتُ **يَوْمَةً** فَوْقَ شَجَرَةٍ. **جغدی** را بالای درختی دیدم. رَأَيْتُ **الْيَوْمَةَ** فَوْقَ الشَّجَرَةِ. **جغد** را بالای درخت دیدم.

كَلَّمَ **أَسَدٌ ذَبَابًا**. **شیری** با **گرگی** صحبت کرد. كَلَّمَ **الْأَسَدُ الذَّبَابَ**. **شیر** با **گرگ** صحبت کرد.

در ترکیب اضافی :

۱- اگر **مضاف الیه**، اسم **معرفه** (اسم « **ال** » **دار** یا اسم **عَلَم** باشد، **مضاف** نیز اسم **معرفه** می شود.)
مثال: هَذَا **كِتَابٌ حُسَيْنٍ**. این کتابِ حسین است.

مضاف، **معرفه** / **مضاف الیه**، **معرفه** به **عَلَم**

جاءَ **مُعَلِّمٌ الْمَدْرَسَةَ**. معلمِ مدرسه آمد.

مضاف، **معرفه** / **مضاف الیه**، **معرفه** به «**ال**»

۲- اگر **مضاف الیه**، اسم **نکره** باشد، **مضاف** نیز اسمِ **نکره** می شود.

مثال: هذا کتاب تلمیذ. این کتاب دانش آموزی است.

مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

رأيتُ مُدیر مَدْرَسَة. مدیر مدرسه ای را دیدم.

مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

نکته: در ترکیب اضافی، مضاف الیه می تواند ضمیر متصل یا اسم اشاره (این دو از اسم های معرفه) هستند.

مثال:

جاءَ مُدیر ک: مدیر تو آمد.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به ضمیر

جاءَ مُدیر هذه المَدْرَسَة. مدیر این مدرسه آمد.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به اسم اشاره

نکته: اسم هایی مانند: « قبل، بعد، حول، وراء، خلف، أمام، فوق، تحت، جنب، بین، خلال، حین، عند » از اسم های دائم الإضافة هستند یعنی همیشه بعد از این اسم ها، مضاف الیه می آید ولی معرفه یا نکره بودنشان بستگی به مضاف الیه دارد.

أَلِکتابُ عِنْدَ الطَّالِبِ. کتاب نزد دانش آموز است.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به « ال »

أَلِکتابُ عِنْدَ طالِبٍ. کتاب نزد دانش آموزی است.

مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

نکته: کلمه کُلّ + اسم نکره نکره و به معنای « هر » است.

کلمه « کُلّ » + اسم معرفه معرفه و به معنای « همه » است.

جاءَ کُلُّ الطَّالِبِ. همه دانش آموزان آمدند. جاءَ کُلُّ طالِبٍ. هر دانش آموزی آمد.

مضاف، معرفه / مضاف الیه، معرفه به « ال » مضاف، نکره / مضاف الیه، نکره

نکته: اگر بعد از یک اسم معرفه به « ال »، اسم موصول (الَّذِي، اللَّذَانِ / اللَّذِينَ، الَّتِي، اللَّتَانِ / اللَّتَيْنِ، اللّاتِي) به معنی حرف ربط « که » بیاید، اسم معرفه « ال » دار، به همراه « ی » ترجمه می شود.

مثال:

التَّالِمِيذُ الَّذِي يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ. دانش آموزی که تلاش می کند، موفق می شود.
الأشجارُ الَّذِي تَنْبُتُ فِي الغَابَاتِ جَمِيلَةٌ جَدًّا. درختانی که در جنگل ها می رویند واقعاً زیبا هستند.

پایانِ اعْلَمُوا درس سوم